



عکس: رضا سلطان



موسیقی برای مردم!

علیرضا مرادی

سخن گفتن از موسیقی پاپ در جامعه امروز ایران نمی‌تواند بی‌توجه به برخی گزاره‌های کلی پیرامون وضعیت و جایگاه موسیقی در جامعه ما باشد.

موسیقی پاپ مانند خیلی چیزهای دیگر، تعلق ذاتی به این مرز و بوم ندارد و جز در زمره امور وارداتی است که هنوز در تب و تاب پیدا کردن جای خود در این فرهنگ است.

پاپ موسیقی مردم است. در حالی که ظاهراً در ایران مردم به معنای عموم مردم به موسیقی سنتی و اصیل ایران علاقه دارند. مزید بر این اگر نگاه مردم شناختی به موسیقی مردم داشته باشیم، احتمالاً موسیقی فولکلوریک به عنوان پایه موسیقی توده‌های مردم در ایران تلقی خواهد شد.

برای خروج از این وضعیت، بهتر است توافق کنیم که در ایران، پاپ موسیقی جوانان است. از آنجا که در موسیقی تاریخ گذشته ایران، هیچ جایی برای خواسته‌ها، علایق و ذهنیت جوانان در نظر گرفته نشده است، لذا با ورود شکل‌های نوین موسیقی در تاریخ جدید ایران، موسیقی پاپ گسترده‌ترین جایگاه را نزد جوانان ایران اشغال می‌کند.

مشکل موسیقی گذشته ایران این بود که بسیاری از حالات روحی - روانی انسان در آن جایی نداشت. ردیف‌های سنتی موسیقی ایرانی بازتاب شیوه خاصی از زندگی ایرانی بوده که احوالات آدمی در آن تعریف‌های مابین و مشخصی داشته است.

اگر نخواهیم همانند بسیاری از منتقدین، این نوع موسیقی را واجد جنبه‌های رخوت آور، سست کننده و تک بعدی بدانیم، دست کم ردیف‌های نوین آدمی در آن غایب است.

وجوه و جدافین موسیقی سنتی بازتاب نوعی سماع صوفیانه است و نم‌های آن بیانگر گستره فرای عشق و متشوق و عابد و معبود است. حتی حماسه و شکوه که بخشی از همان فرهنگ سنتی است، بازتاب تام و تمامی ماهیت و محتوای دستگاهها، گوشه‌ها و ردیف‌های آن نداشته است.

از نظر شکل (form) نیز چارچوب‌های سخت و انعطاف‌ناپذیر به علاوه محدودیت‌های فیزیکی و اکوستیکی سازها، امکان هرگونه نوآوری و به روز بودن را از گونه گذشته گرای موسیقی ایرانی سلب می‌کرده است.

رابطه ایرانیان امروز با موسیقی سنتی همانند رابطه توده‌ها با غزل است. غزل یک گونه ادبی است که با روح و روان ایرانی ارتباط برقرار می‌کند.

مشکل موسیقی گذشته ایران این بود که بسیاری از حالات روحی - روانی انسان در آن جایی نداشت

ردیف‌های سنتی موسیقی ایرانی بازتاب شیوه خاصی از زندگی ایرانی بوده که احوالات آدمی در آن تعریف‌های معین و مشخصی داشته است

بزرگان شعر معاصر پارسی، چشم اندازهای نوینی از نگرش شاعرانه را به روی ما گشوده‌اند، اما هویت روانی غزل کماکان در تار و پود شخصیت فرهنگی ایرانیان ادامه حیات داده است.

این نوع ادبی‌گاه مورد انتقادهای بحق قرار گرفته و از همین منظر نیز تاحدودی به حاشیه رانده شده است.

گاه نیز در برخی رویکردها و به صورت رفتاری واکنشی اصرا بر دوباره زنده سازی در عنوان یک شکل اصیل ادبی شده است.

اما روی هم رفته غزل به عنوان گونه‌ای که یادآور بخشی از فرهنگ این جامعه است، فقط قادر بوده کارکرد خود را در حفظ یک گذشته در حال اضمحلال تثبیت کند.

موسیقی سنتی نیز (به گونه‌ای مشابه) چنین وضعیتی را دارد. آنچه مسلم است موسیقی سنتی دست کم با

این طیف عمدتاً به آفرینش فضاهای جدید مشغولند. در کنار این دو گروه باید از اهالی موسیقی پاپ یاد کرد. پاپ در ایران شاید بی‌هویت‌ترین و در عین حال رادیکال‌ترین نوع موسیقی محسوب شود. از آن جهت اصطلاح بی‌هویت را به کار می‌بریم، زیرا در این نوع موسیقی، ترانه‌ها، ملودی‌ها، ریتم‌ها و تنظیم‌ها بیشترین فاصله را با پس زمینه‌های تاریخی - فرهنگی موسیقی ایران دارند.

در دوره‌های مختلف موسیقی پاپ در ایران، به راحتی می‌توان گره برداری و حتی کپی از موسیقی‌های غربی، آذری، روسی، هندی، استامبولی، اروپایی، آمریکایی و حتی آمریکای لاتین را ملاحظه کرد.

امکان نتون پذیرد در این نوع موسیقی موجب شده تا از چارچوب‌های نسبتاً ثابت موسیقی ایرانی فاصله بسیار گرفته به حدی که هیچ شباهتی با آن نداشته باشد.

البته کاملاً واضح است که اصطلاح «بی‌هویت» در این مقال بی‌هیچ وجه واجد بار ارزشی نیست.

تنها خواسته‌ام بگویم که اگر ملاک هویت داشتن این نوع موسیقی، میزان متأثر بودن آن از فرهنگ ایرانی است، موسیقی پاپ در ایران منهای روند ترانه سرایی در آنها، یک گونه تمام عیار از بی‌هویتی است.

در سمت و سویی کاملاً برعکس، همین خصلت بی‌هویت، موجب رادیکال شدن آن است. پشت سر این نوع موسیقی هیچ سنت نهاده‌ای وجود ندارد.

موسیقی پاپ نیاز چندانی برای چشم دوختن به گذشته و دیکنه کردن از روی دست سنتها ندارد.

به راحتی می‌تواند در صورت نیاز، هر نوع چارچوب قراردادی و با دست و پاگیر را در هم

در بحث کنونی ما یکی از نکات مهم و شایان توجه در تحلیل هرگونه موسیقی، وضعیت سیاسی - اجتماعی ایران است. ارزشهای صرفاً هنری به عنوان متغیرهای مستقل نمی‌توانند در پذیرش مطلق یک اثر موسیقی نقش آفرین باشند. این ارزشها عموماً در تلفیق با متغیرهای اجتماعی رنگ و بوی متفاوتی به خود می‌گیرند. ذائقه موسیقیایی ایرانیان و گوش ایرانی عادت به شنیدن ملودیاها و آهنگهای خاصی دارد.

آنچه مهم است عبور از وضعیت متصلب فعلی و بازسازی ذهنی اوضاعی است که تصور می‌شود در حال از دست رفتن است. ضوابط و نظام ارزشیایی موسیقی نیز به گونه‌ای عمل می‌کند که نشان می‌دهد محدودیت‌ها متوجه خواننده، آهنگساز و تنظیم کننده اصلی است.

به غیر از محدودیت در کار ترانه نویسی کما اینکه یک خواننده بی‌نام و نشان به راحتی می‌تواند با بازخوانی چند تصنیف قدیمی به راحتی در دلها جا بگیرد.

در چنین شرایطی تلاش برای شکست متغیرهای تأثیرگذار اجتماعی، کار بسیار دشواری است. آلبومی که این شاخصها را مورد بی‌توجهی قرار دهد، نه تهیه کننده و سرمایه‌گذار، نه توزیع کننده و نه حامی رسانه‌ای خواهد یافت و این در عالم موسیقی و فرهنگ یعنی گیش و مات. مهدی کاملی به تنهایی آهنگ را ساخته، در برخی قطعات با عنوان نوازنده به اجرا پرداخته، خود آنها را تنظیم کرده، خودش خوانده و خود به دنبال پخش رسانه‌ای آن است. دست اندرکاران موسیقی می‌دانند که چنین کاری در هیچ جای دنیا معمول نیست. تولید موسیقی یک کار تیمی است. چنین کاری اگرچه واجد ارزشهای انسانی

موسیقی عمدتاً افکتیو است. البته تلاش شده است تا ایجاد فضاهای مختلف به مورد آزمون گذارده شود.

اگرچه همه قطعات این آلبوم از اهمیت و استحکام یکسانی برخوردار نیستند. با این وصف از آنجا که خواننده، خود آهنگساز نیز بوده است، لذا ترکیب دلنشینی از جنس صدای خواننده با نوع آهنگها بوجود آمده است.

این ترکیب علیرغم شتاب‌های گهگاه و غیر ضروری نوع خواندن، مبین فضای جدیدی است که در آن ریتم‌های غیرمانوس برای ایرانیان همراه آواهایی با رویکرد کلاسیک در چارچوب موسیقی پاپ گنجانده شده است که حاصل آن - شاید بتوان گفت - نوعی موسیقی پاپ فرهیخته است.

ذات هنر به زنده بودن، پویایی، تحول جویی و معرفی دریافت‌های نو، استوار است

همچون عشق، علاقه و صداقت است، اما پیشاپیش محکوم به شکست است.

البته همه ترانه‌ها از ارزش همسنجی برخوردار نیستند. ترن نیز به نوبه خود در کلاف سنت و مدرنیسم دچار سرگیجه و دوران است. در آن هم از «موج دریاها دور» صحبت می‌شود و هم از «بی بی جون» به همین دلیل. شاید بتوان گفت در نوع خود اثر یکدست و کاملی نیست.

اما اکنون مخاطب نمی‌داند چارچوب کلی روح حاکم بر آهنگسازی نشانی افکا است. این

ایران

ورزش

پذیرش آگهی
تلفن: ۰۰۸۸۷۳۶۵۹۰